

استیل‌ها

ویکتور سیگالین

دکتر عماد فرهادنژاد



نشر علم‌پوش

جهان
نشریات



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

-
- سرشناسه: ————— سگالن، ویکتور، ۱۸۷۸ - ۱۹۱۹ م.
Segalen, Victor —————
عنوان و نام پدیدآور: ————— اِسْتِیلْ ها/ ویکتور سگالن؛ مترجم: س. خاُموش.
مشخصات نشر: ————— تهران: نشر مات: نشر خاموش، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ————— ۱۵۴ ص: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک: ————— 978-622-99808-3-5
وضعیت فهرست نویسی: ————— فیبا
یادداشت: ————— کتاب حاضر قبلاً توسط نشر خاموش در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است.
موضوع: ————— شعر فرانسه -- قرن ۲۰ م. -- ترجمه شده به فارسی
French poetry -- 20th century -- Translations into Persian ————— موضوع:
موضوع: ————— شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده از فرانسه
Persian poetry -- 20th century -- Translations from French ————— موضوع:
شناسه افزوده: ————— فرهادنژاد، عباس، ۱۳۴۶ -، مترجم
PQ۲۶۲۳ / الف ۵۱۳۹۷ ————— رده بندی کنگره:
۸۴۱/۹۱۲ ————— رده بندی دیویی:
۵۵۴۵۶۲۸ ————— شماره کتابشناسی ملی:
-



نشریات
نشریات

نام کتاب: استل ها
مؤلف: ویکتور سگالین
مترجم: دکتر عباس فرهادنژاد
طرح جلد و صفحه‌ریزی: استودیو نشر خاموش
چاپ و صفحه‌بندی: چاپ دیجیتال نقطه
چاپ / شمارگان: اول ۱۳۹۷ / ۳۰۰ نسخه
قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۸۰۸-۵

کلیه حقوق این اثر برای نشریات نشر خاموش محفوظ است.

ارتباط با نشریات: ۰۲۱ - ۶۲۲ ۷۸۱۴۹

ارتباط با نشر خاموش: ۰۹۱۲۰۱۷۸۱۹۴ - ۰۹۱۱ ۷۸۱۴۲

w.w.NashreMaat.ir - @NashreMaat

w.w.KhamooshPub.ir - @KhamooshPubch

هرگونه کپی‌برداری، برداشت
و اقتباس از تمام یا قسمتی از
این اثر، منوط به اجازه کتبی
ناشر می‌باشد.

آدرس: تهران، خیابان فخررازی، بن بست فاتحی داریان، پلاک ۵، طبقه اول

فهرست

۸	مقدمه مترجم
۱۳	استل‌ها
۲۱	استل‌های رو به جنوب
۲۳	بی نشان از حکومت
۲۵	سه سرود نخستین
۲۷	ایرها
۲۸	دربار مهمانی مشکوک
۳۰	ستایش باکره غربی
۳۲	دین تا ک
۳۴	به احترام ردمن است نشین
۳۶	مردمان مانی
۳۷	شهود مومنانه
۳۹	به ده هزار سال
۴۲	ترتیب حرکت
۴۵	انتصابات
۴۷	عزیمت
۴۹	احترام به خرد
۵۱	فرمان خاکسپاری
۵۳	فرمان
۵۵	استل‌های رو به شمال
۵۷	نقش
۵۹	آینه‌ها
۶۱	یشم دروغین
۶۲	از دوردست‌ها
۶۴	به آن یک
۶۶	خیانت وفاداران

- ۶۷..... بی اشتباه
 ۶۸..... خون آشام
 ۷۱..... استل‌های رو به شرق
 ۷۳..... پنج رابطه
 ۷۴..... برای رضایت خاطر او
 ۷۵..... چهره در چشمان
 ۷۶..... به من می گویند
 ۷۷..... دلدار من خصائل آب را دارد
 ۷۸..... سنگ آهنگین
 ۸۰..... در حال
 ۸۱..... خواهر مرموز
 ۸۲..... سنگ - ساندلار
 ۸۴..... ستایش اختر حرن
 ۸۶..... استل برای میل
 ۸۷..... برای احترام
 ۸۹..... استل‌های رو به غرب
 ۹۱..... شراب افشانی مغول
 ۹۲..... نوشته با خون
 ۹۳..... با نوک شمشیر
 ۹۵..... سرود برای ازدهای خفته
 ۹۷..... سوگند وحشیانه
 ۹۸..... ادب
 ۹۹..... فرمان به آفتاب
 ۱۰۱..... استل‌های کنار جاده
 ۱۰۳..... توصیه به مسافر نیک
 ۱۰۵..... طوفان جامد
 ۱۰۶..... ستایش یشم

۱۰۷	لوح خردمندی
۱۰۸	زمین زرد
۱۰۹	تنگه
۱۱۰	استل اشکها
۱۱۱	پیشه وران ناشی
۱۱۲	استل راه روح
۱۱۳	استل های میانه
۱۱۵	م ک ن جنوب رومزمهره
۱۱۷	رونه
۱۱۸	گومریا بود
۱۱۹	به اهریمس هان
۱۲۱	آزادسازی
۱۲۳	داوران زیرزمین
۱۲۴	واژگونی
۱۲۷	شهریار شادی های در حصا
۱۲۸	ستایش و قدرت غیاب
۱۲۹	لحظه
۱۳۱	شهر بنفش ممنوع
۱۳۳	ارابه آتشین
۱۳۶	نام پنهان

مقدمه مترجم

ویکتور سگالین در چهاردهم ژانویه سال ۱۸۷۸ در برست فرانسه به دنیا آمد. او دوران کودکی و نوجوانی خود را در خانواده‌ای اهل فرهنگ گذراند. مادرش که زنی مذهبی بود موسیقی را به خوبی می‌شناخت و این دانش را از همان ابتدای کودکی ویکتور به او انتقال داد. عشق به موسیقی در تمام عمر سگالین با او همراه شد و در آینده زمینه‌ی همکاری‌های او با موسیقیدانان برجسته از جمله دو بوسی را فراهم آورد. در سال ۱۸۹۸ سگالین در امتحان ورودی رشته پزشکی نیروی دریایی قبول شد و برای فراگرفتن علم پزشکی به بوردو رفت. در همین زمان با ادیبان برجسته‌ی فرانسه مانند رمی دوگورمون^۱ و هوپسمان^۲ آشنا شد. تفکرات آنان تاثیر گرفت. تز دکترای او درباره‌ی بیماری‌های روانی در ادبیات، حاصل رابطه با عنوان پزشکان ادبیات چاپ شد. علاقه‌ی او به ادبیات را به خوبی نمایان می‌سازد. البته او قسمتی از تز خود را با عنوان حس آمیزی و مکتب سمبولیسم با پیشوند درسی دوگورمون در مرکور دو فرانس به چاپ رسانید. شاید پزشکی نیروی دریایی آرزوی سگالین بود چون به خاطر شغلش مجبور بود سفر کند و او که شیفته‌ی سفر و شناخت دیگر سوها بود از این فرصت کمال استفاده را برد. مقصد اولین ماموریت او تاهیتی بود.

1. Rémy de Gourmont

2. Huysmans

سگالن در این سفر مردم مائوری و فرهنگ غنی در حال انقراض آنان را کشف کرد و سر خورده از اینکه در آنجا نیز مانند هر جای دیگر نژادها می میرند کتاب از یاد رفته ها را نوشت که محصول مطالعات او در باره این قوم بود. او در این سفر پل گوگن را شناخت که در جزایر مارکیز واقع در چهارصد مایلی تاهیتی می زیست. البته وقتی سگالن به آن جا رسید گوگن جهان را ترک کرده بود اما چیزهایی از خود باقی گذاشته بود که سگالن با مطالعه آن ها به عمق عزمت گوگن و غنای فرهنگ مائوری پی برد. سگالن در این باره می گوید: « می توانم بگویم که پیش از سیر و سفر و تقریباً زندگی کردن در طرح های گوگن هیچ چیز از سرزمین و قوم مائوری ندیده بودم. » و این نشان می دهد که سفر سگالن تنها سفری جغرافیایی نیست بلکه اصولاً سفری درونی است که در آن انسان متفکر ظرفیت های درونی خود را به عنوان وجدان آگاه به بوته ی آزمایش می بردارد و آن ها را در رویارویی با دیگری می سنجد. سگالن به خوبی نشان داد که ذهن سیر که در گوشه ای از جهان و در مکان جغرافیایی خاص شکل می گیرد می تواند باهاش دیگر پرورش یابد و به شکوفایی برسد. از کودک فرانسوی زاده برست تا پزشک، نرسنده، شاعر، باستان شناس، مردم شناس و چین شناس آنچه در تحول است همی ذهنیت وجدان است. سگالن نه گردشگر است و نه شرق شناس حرفه ای. او مسافر است. مسافر سرزمین های دیگر، سرزمین های دور، سرزمین هایی که در آن دیگری چیزی نیست برای کشف کردن، بلکه آینه ایست که انسان مسافر خود را در آن باز می یابد. سفر سگالن به چین را باید این طور دید و فهمید. البته و صد البته چین با غنای فرهنگی و تاریخ بزرگش هر انسانی را چه گردشگر و چه شرق شناس وسوسه می کند. اما چین که سگالن به دنبال او بود و به آن سفر کرد سرزمینی نبود برای گردآوری خاطرات گنجینه یا مطالعات شرق شناسی، بلکه مکانی بود برای یافتن توازن جسمی و روحی انسان. نماینده شرق یا غرب نیست، بلکه محصول انسانیت در شرق و غرب عالم است. سگالن در چین خود را باز یافت.

اما سگالن ادیبی حرفه ای بود. او می دانست که هر چند ادبیات محصول زبان است و زبان وابسته به اقلیم خاص و گویندگان خاص، اما تداوم ادبیات در کشف ساختارهای فرازبانی و به کلام آوردن این ساختارها امکان می یابد. او در نامه

ای به دوستش ژول دو گولتیه^۱ می نویسد: «من در چین به دنبال افکار یا مضامین نمی گردم، بلکه در جستجوی شکل ها هستم که گوناگون، ناشناخته و عالی مرتبه اند.» و استل ها را می نویسد که خود از آن ها به عنوان یک نوع ادبی یاد می کند. از استل ها که بناهایی چینی هستند، سگالن فقط شکل یا به قول خود قالب را می گیرد و هر آنچه در آن ها می گذارد از خود اوست. از پیوند قالب چینی و ذهن فرانسوی، متنی ساخته می شود که هرچند عناصر فراوان چینی در خود دارد اما نه ترجمه ی فرهنگ و زبان چین است و نه ترجمان شیفتگی سگالن به این فرهنگ، بلکه مکانی است که در آن ادبیات در امکانات بالقوه ی خود تداوم می یابد.

در مقدمه ی استل ها، سگالن استل را معرفی می کند تا خواننده فرانسوی از این بنای ساده ی چینی، تصویری در ذهن داشته باشد. برای خواننده ی فارسی زبان نیز شاید به تریب معرفی استل همان است که سگالن ارائه داده. اما بدانیم که استل به عنوان یک بنای سنگی یا چوبی با استل همچون یک نوع ادبی که سگالن می خواست ابداع کرده تفاوت است. تفاوت را خواننده خود خواهد فهمید.

ویکتور سگالن در بیست و یکم ماه مه ۱۹۱۹ در شهر اوئلگوات از دنیا رفت. وقتی جنازه او را در جنگل نزدیک شهر یافتند، کبابی در کنارش بر زمین افتاده بود: نسخه ای از هملت.